



گناہ شناسی

مؤلف: خواجہ مولانا مجیب الرحمن «انصاری»

خطیب مسجد جامع شیخ الاسلام خواجہ عبداللہ انصاری «رح»

شناسنامه کتاب

- ❖ نام کتاب: گناه شناسی.
- ❖ مؤلف: خواجه مولانا مجیب الرحمن «انصاری».
- ❖ جمع و ترتیب: عبدالمتین «عادل».
- ❖ بخش: سوم.
- ❖ تاریخ چاپ: بهار ۱۴۰۰ هـ.ش.
- ❖ نشر: بخش فرهنگی دارالعلوم عالی انصار.
- ❖ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد.

جدیدترین PDF کتاب و رساله‌ها را می‌توانید از کانال تلگرامی ذیل دریافت کنید:

[@DarulooloomAnsar](https://t.me/DarulooloomAnsar)



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

عرض مرتَّب:	ب.....
بیماری گناه:	۱
انواع گناهان:	۱۴
گناهان صغیره چه موقع بخشیده می شود؟:	۱۶
تعداد گناهان کبیره:	۱۹
قواعد شناخت گناهان کبیره:	۴۲
چه هنگام گناهان صغیره، به کبیره تبدیل میگردد؟:	۵۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض مرتّب

ثنا و ستایش پروردگاری راست که انسان را آفرید، راه
رستگاری را برایش واضح ساخت و بخاطر جبران لغزشها،
فرصت کافی در اختیارش قرار داد.

درود و سلام پروردگار بر پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ آنکه پیام
آفریدگار جهان را به بهترین صورت به جهانیان رسانید؛
همو که هر کس مسیرش را پیمود به رستگاری هر دو جهان
نایل آمد و هر که بر خلاف رهنمودهایش ره پیمود، در هر
دو جهان زیانمند گردید.

در سلسله رساله‌های مبتنی بر ملفوظات جناب خواجه مولانا مجیب الرحمن «انصاری» حفظه‌الله، سومین رساله را با مفاهیم ارزنده تحت عنوان «گناه شناسی» به قالب تحریر درآوردیم. این رساله که جنبه علمی- تحقیقی دارد، موضوعات مهمی از قبیل: شناخت بیماری گناه، انواع گناهان، قواعد شناخت گناهان کبیره، مواردی که گناهان صغیره به کبیره تبدیل می‌گردد...، در آن به بحث گرفته شده است.

به امید آنکه زحمات گوینده و نگارنده این رساله، مورد پذیرش درگاه الهی قبول گردد و این رساله نقطه عطفی برای خوانندگان عزیز قرار گیرد.

عبدالمتمین "عادل"

مسئول دارالتألیف و استاد دارالعلوم عالی انصار.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیماری گناه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ وَمَنْ وَالَاه.

اما بعد! قال الله سبحانه و تعالى: ﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَوَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾.

یعنی: نامه اعمال هر انسانی در دستش نهاده می شود؛ بدکاران نافرمان را از آنچه در آن اعمال نامه است بیمناک می بینی و می گویند: ای وای بر ما! این چگونه نامه است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را ثبت کرده و برشمرده است. و آن گناهانی را که در دنیا انجام داده بودند حاضر و آماده می یابند و پروردگار تو بر هیچ کس ستم نمی کند.

موضوع مورد بحث ما در مورد شناخت بیماری گناه است؛ بیماری مهلکی که آثارش بر جسم انسان آشکار نمی شود و شخص دردی را در اعضای بدن خود حس نمی کند تا بخاطر مداوا و بهبودی آن نزد پزشک مراجعه کند، بلکه قلب انسان را زنگ آلود ساخته و در نهایت فاسد

می‌گرداند و چون قلب فاسد شد تمام بدن فاسد و تباه می‌گردد. همانطوری که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به روایت نعمان بن بشیر رَوَاهُ عَنْهُ می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ. أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ»^۱. یعنی: در جسم انسان، پاره گوشتی است که اگر درست شود تمام جسم درست می‌شود و اگر فاسد گردد تمام جسد فاسد می‌گردد. آگاه باشید که آن قلب است.

وقتی انسانی دردی را در اعضای بدن خود حس کند، آن را نشانه بیماری می‌داند و برای درمانش، نزد پزشک مراجعه می‌کند و چون پزشک نوعیت بیماری را تشخیص داده

^۱ - السنن الکبری، حدیث: ۱۰۴۰۰.

تواند، به نزد پزشک دیگری می‌رود تا نوعیت بیماری‌اش تشخیص و داروی مناسبی را برای درمان آن بیماری تجویز کند.

پزشک همراه با تجویز دارو، بیمار را از خوردن برخی غذاهای که بهبودی‌اش را به تأخیر می‌اندازد پرهیز می‌دهد و شخص بیمار چون می‌داند که پرهیز به نفعش هست بخاطر اینکه دارو برای بدنش مؤثر واقع گردد رژیم غذایی می‌گیرد و از انواع خوردنی‌های لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا خودداری می‌کند. **اللَّهُ تَعَالَى** نیز بندگان خود را از آلوده شدن به گناه هشدار و پرهیز می‌دهد تا قلب‌شان سالم بماند و نور

الهی همچنان قلب‌شان را درخشان ساخته و زندگی‌شان در پرتو انوار الهی در آرامش باشد.

کمتر افرادی هستند که به بیماری کشنده گناه واکنش نشان می‌دهند و بخاطر مبتلا نشدن و یا بهبودی از آن، به درگاه رب‌العالمین جهت معالجه مراجعه می‌کنند. همانطوری که الله ﷻ بیماری را آفریده، برای درمان آن، دارو را نیز آفریده است. گناه نیز یکی از انواع بیماری‌های کشنده هست که روح سالم انسان را مورد هدف قرار می‌دهد و از ناحیه قلب شخص را به سوی پرتگاه هلاکت می‌کشاند. پس باید هر شخص برای آلوده نشدن قلبش به

گناه، به دستورات الهی عمل کند و هشدارهای پروردگار
مهربان را در جهت اجتناب و پرهیز از گناه رعایت نماید.

سوال اینجاست که آیا تا حال، به این اندیشیده‌ایم که
گناه، بزرگترین و کشنده‌ترین بیماری است که بشر را از
درون نابود می‌سازد و قلب انسان را به تاریکی مبتلا ساخته
و در نهایت باعث خاموشی نور الهی در قلب می‌گردد؟

مشکلات گوناگونی که امروزه امت اسلامی به آن دچار
شده‌اند همه در اثر دوری از راه مستقیم الله متعال می‌باشد
که اکثریت مسلمانان به گناه روی آوردند؛ به اندازه‌ای
فرامین الهی سرپیچی کردند که در نهایت، گناه و نافرمانی
برایشان عادت گشت و نتوانستند نیکی را از بدی، فساد را از

صلاح و روشنایی را از تاریکی تمیز دهند و تفکیک قائل شوند.

این پذیرفتنیست که در عصر حاضر، ما شاهد روی آوری گروه‌های بزرگ جوانان به سوی عبادت پروردگار و برافروختن چراغ پرنور علم و دانش هستیم؛ اما فراموش نکنیم که در کنار آن، اسباب و وسایل انجام گناه نیز در جامعه گسترش پیدا کرده و گروه‌های زیادی در کمینگاه گمراه کردن جوانان ما هستند.

همانطوری که دسته‌های بزرگی از جوانان را در صفوف نمازگزاران می‌بینیم، عده‌ی زیادی از جوانان در خارج مسجد به سوی انحرافات و رذایل اخلاقی کشانیده می‌شوند.

همچنان که اشتیاق و علاقهٔ دسته‌های بزرگ مسلمین را به سوی کارهای خیر مشاهده می‌کنیم، تعداد بی‌شماری از فرزندان مسلمان نیز رهسپار اشتراک در گروه‌های خلافکاران هستند و موجی از گناهان گوناگون و فساد نابودگر، جامعهٔ اسلامی را تهدید می‌کند.

یکی از علماء می‌فرماید: گناه و معصیت، لحظات اندکی برای شخص لذت‌بخش است اما در نهایت عذاب الهی را در پی دارد، عبادت پروردگار لحظاتی خستگی‌آور است اما بهشت و لقای پروردگار را در پی دارد.

برای پنج وقت نماز، وضوء گرفتن، به مسجد آمدن و در انتظار نماز نشستن دشوار است؛

اینکه چشمانت را از ترس الله متعال از تماشای نامحرم فرومی بندی، دشوار است و استواری می خواهد؛

اینکه شبها، بستر راحتی را ترک کرده و در حضور پروردگار خویش به نماز تهجد می ایستی، دشوار است؛

اینکه در معامله خود راستگو باشی، دروغ نگویی و سوگند دروغ یاد نکنی، نیاز به خودگذشتگی دارد؛

اینکه در برابر پدر و مادر کهن سالت، سر فرمانبرداری فرو بیاوری، صداقت را بالای حرفشان بلند نکنی و با حرفهای خوب، رفتار پسندیده و برخورد زیبا، پدر و مادر خود را خوشنود نگه داری، نیازمند این است که با تلاش

درست در مسیر هدایت، چراغ تسلیم در برابر فرامین الله متعال را در دل خود روشن نگه داری.

اینکه از سود، شراب، دزدی، قمار و راهزنی، خود را برحذر داشته و دور نگه می داری، دشوار است؛ اما همه این سختی ها به تناسب پاداش فراوانی که الله وَعَلَى اللَّهِ برای بندگان خاص خود آماده کرده است، محدود و ناچیز است.

همه به بیماری گناه دچار هستیم؛ وقتی من از فراز منبر شما را مورد خطاب قرار داده و نصیحت می کنم معصوم نیستم. بلکه هر کدام ما به گونه مبتلا به گناهی هستیم. از الله متعال خواهانم که همه ما را از ابتلاء به بیماری های

کشنده گناه دور بدارد و گناهان همه ما را مورد آمرزش و مغفرت خود قرار دهد.

بارها دوستان از من پرسیده اند که بادر نظر داشت شرایط و وضعیت جامعه امروزی، کدام عمل را انجام دهیم تا ثواب بیشتر نصیب مان گردد؟

در پاسخ گفته ام: بجای بدست آوردن ثواب از رهگذر انجام عمل، چه خوب است که پاداش بسیاری را از ناحیه مرتکب نشدن عملی بدست بیاوریم! در عصری که ما زندگی می کنیم، نگهداشتن نفس از گناهان، بسیار دشوار و دارای پاداش بزرگتری است؛ اینکه بخاطر رضایت و خوشنودی پروردگار، خود را از هوا و هوس نگهداری و

اعضای بدن خویش را از آلوده شدن به گناهان بازداری، به مراتب از خواندن نمازهای نافله و گرفتن روزه نفلی پاداش بیشتری خواهد داشت.

متأسفانه، در جامعهٔ امروزی برخی گناهان از قبیل: سودخوری، دروغگویی، عیبجویی و ریختن خون مسلمان به ناحق، چنان رشد کرده است که برخی از مردم، آن گناهان را گناه نمی‌شمارند و آن را مخالف فرمان الله جَلَّالَهُ نمی‌دانند.

در حالیکه حرام و گناه، بر اساس مقتضیات عصر و زمان، حکم جواز را نمی‌گیرد؛ هر آنچیزی را که الله متعال حرام قرار داده باشد برای همیشه حرام باقی خواهد ماند.

کسی که ارزش واقعی خود را نداند که کی هست، از کجا آمده، برای چی آمده و به کجا می‌رود؛ عمر ارزشمند خود را صرف گناهان و نافرمانی از الله متعال می‌کند، گاهی هم به عقب برنمی‌گردد تا از اعمالی که قلبش را زنگ‌زده و سنگین کرده است پشیمان شود و دست تضرع و توبه به درگاه الهی دراز کند؛ درست مانند شخص ناقص العقلی که چون طلا را بدستش بدهی به تصور اینکه سنگ بی‌ارزشی هست دور می‌اندازد.

انواع گناهان

علمای کرام بنابر استدلال به آیات کریمه و احادیث پیامبر ﷺ، گناهان را به دو نوع «الکبائر» یعنی: گناهان بزرگ و «الصغائر» یعنی: گناهان کوچک تقسیم کرده‌اند.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَىٰ

الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَوَيْلَتَنَا مَا لِ
هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا
وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۖ﴾

یعنی: نامه اعمال هر انسانی در دستش نهاده می‌شود؛
بدکاران نافرمان را از آنچه در آن اعمال‌نامه است بیمناک

می‌بینی و می‌گویند: ای وای برما! این چگونه نامه است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را ثبت کرده و برشمرده است. و آن گناهانی را که در دنیا انجام داده بودند حاضر و آماده می‌یابند و پروردگار تو بر هیچ کس ستم نمی‌کند.

برای تعریف و شناخت این دو نوع گناه، تعاریفات مختلفی را علمای کرام بیان کرده‌اند؛ اما مختصرترین تعریفی که می‌توان در مورد شناسائی گناهان کبیره و صغیره ارائه کرد، این است:

گناهان کبیره: گناهانی هست که در قرآن کریم یا در حدیث پیامبر ﷺ به مرتکب آن وعید و هشدار ذکر گردیده باشد.

گناهان صغیره: گناهانی هست که بر انجام دهنده آن، در دنیا حدی صورت نگیرد و همچنین بر مرتکب آن، هشدار به آتش جهنم یا گرفتاری به خشم و غضب الهی صورت نگرفته باشد.

گناهان صغیره چه موقع بخشیده می شود؟

قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ اعمالی را بخاطر کفاره گناهان صغیره معرفی کرده اند که در زمینه بخشش گناهان

صغیره کارساز است و می توان گفت که در دنیا، گناهان صغیره با انجام دادن اعمال ذیل بخشیده می شوند:

۱- با توبه کردن؛ همانطوری که عبدالله بن

عباس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که ایشان فرمودند: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»^۱. یعنی توبه کننده از گناه، مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.

البته توبه، نه تنها باعث محو گناهان صغیره می شود بلکه گناهان کبیره را نیز نابود کرده و از بین می برد.

۱- شعب الإيمان، حدیث: ۶۷۸۰.

۲- پرهیز از گناهان کبیره؛ الله ﷻ می فرماید: ﴿إِنْ

تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾^۱. یعنی: اگر از

گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم؛ و شما را در جایگاه شایسته وارد می سازیم.

انجام دادن نیکی، ادای نمازهای پنجگانه، رفتن به نماز

جمعه، ادای حج یا عمره و همچنین گرفتن روزه رمضان نیز

از جمله کفارات و زایل کننده گناهان صغیره بشمار می-
روند.

^۱- سورة النساء/۳۱.

تعداد گناهان کبیره

علمای کرام در مورد تعداد گناهان کبیره دیدگاه‌های را بیان کرده اند. شخصی از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما پرسید که آیا گناهان کبیره هفت اند؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «هِيَ إِلَى السَّبْعِ مِائَةٍ أَقْرَبُ مِنْهَا إِلَى سَبْعٍ غَيْرَ أَنَّهُ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ وَلَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ»^۱. یعنی: گناهان کبیره به هفتصد گناه نزدیک‌ترند تا به هفت گناه؛ اما همراه با استغفار و آمرزش خواهی، گناه کبیره باقی نمی‌ماند و همراه با اصرار و پافشاری، گناه صغیره باقی نمی‌ماند. به این مفهوم که گناهان کبیره فقط به تعداد گناهانی که در یک حدیث آمده است نیست بلکه نزدیک به هفتصد گناه می‌باشد و اگر

۱- روح المعانی، جلد ۲۷، ص ۶۳.

شخص از گناه کبیره که مرتکب شده است، آمرزش و استغفار بخواهد آن گناه نابود می‌گردد و اگر بر گناه صغیره مداومت و پافشاری کند آن صغیره به کبیره تبدیل می‌شود.

امام شمس الدین ذهبی رحمته الله در کتاب ارزشمند خود «الکبائر» گناهان کبیره را تا هفتاد مورد معرفی کرده و مشروحاً بیان نموده است.

برخی از علماء بر اساس حدیثی که ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است تعداد گناهان کبیره را هفت مورد شمرده‌اند، چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤْبَقَاتِ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ، وَالسَّحَرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ مَالِ

الْيَتِيمَ وَأَكْلُ الرَّبَا، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصِنَاتِ
 الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ»^۱. یعنی: از هفت گناه هلاک کننده
 دوری کنید، صحابه عرض کردند که یا رسول الله! آنها
 کدامند؟ پیامبر ﷺ فرمود:

۱ - الشَّرْكُ بِاللَّهِ». یعنی شریک آوردن به الله.

شریک قائل شدن به الله ﷻ، نهایت ناسپاسی در برابر
 نعمت‌های پروردگار و در رأس همه گناهان کبیره به شمار
 می‌رود و انسان را از محدوده دین مقدس اسلام خارج می-
 سازد. شرک یگانه گناه کبیره هست که عقوبتش به تناسب
 همه گناهان شدیدتر است و احتمال بخشش آن وجود

۱- صحیح مسلم، حدیث: ۱۴۵.

ندارد. شرک باعث نابودی تمام اعمال نیکوی انسان و سبب نپذیرفته شدن هر کار شایسته به درگاه الهی می‌گردد. الله

سُبْحَانَ اللَّهِ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ

مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾^۱. یعنی: قطعاً الله کسی را

که به او تعالی شریک قرار دهد نمی‌بخشد و سایر گناهان غیر از شرک را برای کسی که بخواهد می‌بخشد.

دعوت به سوی یگانه‌پرستی، پیام و متن دعوت همه پیامبران الهی بوده که مردم را بسوی یگانه پرستی فرا خواندند و از شرک و پرستش غیرالله، برحذر داشتند. پرستش الله متعال و شریک نیاوردن در شأن الوهیت و

۱- سورة النساء / ۴۸.

ربوبیت او تعالی، اولین فریضه بر بندگان و بزرگترین حق الله متعال بر انسان‌ها می‌باشد. چنانچه پیامبر ﷺ به معاذ بن جبل رضی الله عنه فرمود: آیا می‌دانی که حق الله بر بندگان و حق بندگان بر الله چیست؟ معاذ گفت: الله و رسولش داناترند. پیامبر ﷺ فرمودند: «فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَحَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُمْ»^۱. یعنی: حق الله بر بندگان این است که او را پرستند و چیزی را با او شریک نیاورند و حق بندگان بر الله این است که ایشان را عذاب نکند.

۲- «وَالسَّحَرُ» یعنی: سحر کردن.

^۱ - سنن ابن ماجه، حدیث: ۴۲۹۶.

دین مقدس اسلام هر گناهی را که زیانش بر فرد، جامعه و جهان بیشتر باشد عقوبت شدیدتری را بر آن مترتب گردانیده و آن را به تناسب سائر گناهان بزرگتر قلمداد کرده است. بعد از شرک بزرگترین گناهی که زیانش بر فرد و فسادش در جامعه بیشتر است سحر و جادوگری است که در همه ادیان گذشته حرام و ممنوع اعلام شده است.

سحر عبارت از دم کردن شرک آمیز یا گره کردن تار و نخ است که بر جان و قلب انسان تأثیر می گذارد و باعث بیمار شدن شخص، جدا شدن زن و شوهر و گاهی هم سبب مرگ انسان می گردد.

برخی فکر می کنند که سحر فقط در زمان سلیمان علیه السلام بوده و بعداً منقرض شده است و امروزه وجود ندارد. در حالیکه متأسفانه در جامعه اسلامی امروزی، جادوگران و ساحرین زیادی هستند که در لباس مسلمان خود را به مردم معرفی می کنند، ظاهر، سیما، عبا و قبا ی مسلمان را دارند و برای آنکه مردم را فریب دهند، گاهی آیات قرآن را نیز تلاوت می کنند. برخی از انسان های ساده لوح، برای اینکه آرزو و هدف شان برآورده شود به نزد ساحر و جادوگر می روند، از آنها امید نفع و ضرر دارند و گمان می کنند که ساحرین می توانند نیازشان را برآورده کنند و ایشان را به آروز و هدف شان برسانند. بی خبر از آنکه مراجعه به نزد ساحر و تأیید قول او، گناه بزرگ دیگری است که چه بسا

شخص را از دایره اسلام خارج گردانند. چنانچه به روایت
 عمران بن حصین رضی الله عنه، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا
 مَنْ تَطَيَّرَ أَوْ تُطَيِّرَ لَهُ، أَوْ تَكْهَنَ أَوْ تُكْهَنَ بِهِ، أَوْ سَحَرَ أَوْ سُحِرَ
 لَهُ، وَ مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى
 مُحَمَّدٍ^۱». یعنی: از ما نیست کسی که فال بگیرد یا برایش
 فال گرفته شود. یا غیبگویی کند یا برایش غیبگویی شود یا
 جادو کند یا به نفع او جادو شود و هر کس که نزد فالبینی
 برود و آنچه را که او می گوید تصدیق کند، به تحقیق به
 آنچه که بر محمد نازل گردیده است (قرآن) کافر گریده
 است.

۱- مسند البزار، حدیث: ۳۵۷۸.

همانطوری که شرک اعمال نیک انسان را نابود می‌سازد، سحر نیز اعمال را باطل می‌گرداند؛ چون لزوماً سحر کردن، کفر به الله متعال را همراه خود دارد و ساحر تا زمانی که توسط عبادت شیاطین یا کمک خواستن از شیاطین به آنها تقرب حاصل نکند هرگز نمی‌تواند سحر کند.

بلی برادر و خواهر مسلمانم! مسئولیت هر مسلمان است که خود و خانواده خود را از آتش جهنم نجات دهد و راه‌های را که منجر به ناخوشنودی الله متعال می‌گردد در زندگی خود مسدود ساخته و اقدام و تلاشش در مسیر مستقیم بوده باشد.

۳- «وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ». یعنی: کشتن انسانی که الله کشتن آن را حرام گردانیده است جز به حق.

دین مقدس اسلام انسان را مکرم دانسته، او را ارزش داده و برای او احترام قائل شده است؛ طوریکه کشتن ناحق یک انسان را به منزله کشتن تمام انسان‌ها و نجات یک فرد را به مثابه نجات تمام انسان‌ها تلقی کرده است. چنانچه الله

متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۱. یعنی: هر کس انسانی را

۱- سورة المائدة/ ۳۲.

بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین، بکشد مانند این است همهٔ انسان ها را کشته باشد و هر کس یک شخص را از مرگ نجات دهد مانند آن است که همهٔ مردم را نجات داده است.

ارزش خون مسلمان در جهان امروزی؛ بخصوص در کشوری که ما زندگی می کنیم کمتر و بی ارزش تر از ریختن خون گوسفندی شده است. کرامت و ارزشی که الله سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى برای انسان داده است امروزه رعایت نمی گردد و مسلمانان، بدون موجب و گناه کشته می شوند. در حالیکه ارزش خون یک مسلمان در نزد الله سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى از تمام دنیا بیشتر است. چنانچه در حدیثی که عبدالله بن عمرو بن عاص

روایت کرده است پیامبر ﷺ می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَزَوَالُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقٍّ»^۱. یعنی: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، از بین رفتن دنیا در نزد الله از کشتن بناحق یک مسلمان، ساده تر و حقیرتر است.

در اثر اختلافات قومی، سیاسی، سمتی و زبانی چه بسیار فرزندان مسلمان یتیم شدند، زنان مسلمان بیوه گردیدند و خانواده‌ها به داغ فرزندان‌شان به خاک و خون نشستند. باید خون بگیرند گروه‌ها و دسته‌های که تحت نام اسلام به کشتار دسته جمعی و ترورهای زنجیره‌ای مردم

۱- سنن الترمذی، حدیث: ۱۳۹۵.

مستضعف و مظلوم مسلمان می پردازند و همچنین آنانی که دستان خود را به خون مسلمان به ناحق آغشته می سازند؛ چون غضب و نفرین الله وَعَلَّاهُ شامل حال شان خواهد گشت و به گودال جهنم سرنگون خواهند شد. در حدیثی که ابو سعید خدری رَوَاهُ عَنْهُ روایت کرده است پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ اشْتَرَكُوا فِي دَمِ مُؤْمِنٍ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ فِي النَّارِ»^۱. یعنی: اگر تمام ساکنان آسمان و زمین در ریختن خون یک مؤمن شرکت کنند، الله متعال همه شان را به مجازات آن در آتش می اندازد.

۴- «وَأَكُلُ مَالِ الْيَتِيمِ». یعنی خوردن مال یتیم.

۱- همان، حدیث: ۱۳۹۸.

اسلام به عنوان کاملترین و نجات بخش ترین آیین زندگی، خوردن مال دیگران را بدون مجوز شرعی و یا بدون رضایت صاحب مال، ممنوع گردانیده است تا هیچگونه زیانی به کسی وارد نگردد.

در این میان شریعت اسلامی، برای کسانی که اموال یتیمان را حیف و میل می کنند جزای سنگینی در نظر گرفته است. چون یتیمان در هر جامعه قشر ضعیف و ناتوان جامعه را تشکیل می دهند و نیاز به پرورش و توجه دارند.

الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ

سَعِيرًا^۱! یعنی: کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستم می‌خورند، در حقیقت آتش را در شکم خود می‌خورند و با آتش سوزانی خواهند سوخت.

در هر جامعه یتیم‌های زیادی وجود دارند؛ یتیم‌هایی که پدران خود را از دست داده‌اند و نیاز به سرپرستی، کفالت و توجه دارند تا بطور شایسته پرورش یابند و حقوق‌شان به گونه‌ی درست اعطا گردد. روی همین ملحوظ، اسلام می‌خواهد تا مردان و زنان، افراد یتیم جامعه را مانند فرزندان خود تحت تربیت و کفالت قرار دهند و با آنها محبت داشته باشند. چون یتیم در جامعه ناتوان است و نیاز

۱- سورة النساء/ ۱۰.

به پرورش و توجه دارد نه اینکه دیگران با استفاده از فرصت، اموالش را حیف و میل کنند.

۵- «وَأَكُلُ الرِّبَا». یعنی خوردن سود.

یکی از بیماری‌های مهلکی که وقتی شخص به آن دچار گردد، برکت الهی از جان، مال و از تمام زندگی‌اش دور می‌گردد، سودخوری است. امروزه انواع معاملات سودی تحت عناوین بیمه تجارتي، کارت بیمه و یا قرضه‌های کوچک و بزرگ به وجود آمده‌اند و شخص مسلمان بدون آگاهی از حکم این نوع از معاملات، آن را انجام می‌دهد. برای هر مسلمان تاجر لازم است تا در مورد صورت‌ها و انواع معاملات سودی، از منابع معتبر اطلاعات کامل و

دقیقی را پیدا و آگاهی حاصل کند تا مبادا سود بدهد یا سود بخورد.

یگانه گناه کبیره که الله متعال با مرتکب آن اعلام جنگ کرده است یقیناً سودخوری است. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^۱. یعنی: اگر از سود خوردن دست نکشید، بدانید که به جنگ در برابر الله و رسولش برخاسته‌اید.

برخی افرادی که در بانکهای سودی و یا در نزد تاجران سودخور یا سود ده کار می‌کنند و در شکل‌گیری معامله سودی، نقش دارند گمان می‌کنند که ایشان در گناه سودخوری سهیم نیستند؛ در حالیکه از عبدالله بن مسعود

۱- سورة البقرة / ۲۷۹

جهنم عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ آكِلَ الرِّبَا، وَمُؤْكَلَهُ، وَشَاهِدَهُ، وَكَاتِبَهُ»^۱. یعنی: الله متعال، کسی را که سود می‌خورد، کسی را که سود می‌دهد، کسی را که در معامله سودی شاهد قرار می‌گیرد و کسی را که معامله سودی را می‌نویسد لعنت کرده است.

نصیحت من برای همه برادران و خواهران این است؛ به اموال حلالی که الله متعال برایشان نصیب کرده است قناعت کنند، به امید افزایش ثروت، پولهای خود را در بانکهای سودی نگذرانند و برای اینکه برکت الهی را در مال و زندگی شان کسب نمایند از خوردن مال حرام خودداری و دوری کنند.

۱- مسند أحمد، حدیث: ۳۷۲۵.

۶- «وَالْتَوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ». یعنی: فرار از میدان جهاد.

دین اسلام، دین عزت، کرامت، افتخار و سربلندی است. دین راستینی است که خواری، ذلت و ترس را به خود نمی‌پذیرد. مسلمانی که به پشتوانه ایمان خود در برابر دشمنان دین و توحید می‌جنگد، شایسته او نیست که بخاطر ترس از میدان جهاد فرار کند. چون فرار مجاهد از میدان جهاد باعث می‌شود تا کفار در جهت سرکوب کردن مسلمانان و زبان درازی به دین مقدس اسلام جرئت پیدا کنند و جسور شوند و همچنین فرار از میدان جهاد به معنای خوار شمردن دعوت راستین پیامبران است.

مسلمانی که در راه الله جهاد می‌کند بر او لازم است تا شجاعانه بجنگد و پیشروی کند تا دشمنان بدانند که مسلمان از مرگ نمی‌هراسد بلکه به کشته شدن در راه الله وَجَاهِدْ لَهُ چنان حریص است که دشمنانش بر زنده ماندن حریصند.

مسلمانی که با ایمان برحقّش در برابر کفر می‌جنگد، از کفری که بر باطل است ترس و هراس نمی‌داشته باشد. به همین خاطر فرار از میدان جهاد از جمله گناهان کبیره به شمار می‌رود مگر در سه حالت که فرار از میدان جهاد ممانعتی ندارد:

۱- فرار بخاطر تاکتیک جنگی باشد که مجاهد بخواهد دشمن را به دام بیاورد؛

۲- فرار بخاطر پیوستن به گروه دیگری از مجاهدین باشد؛

۳- در حالتی که تعداد دشمنان زیاد باشند به گونه که در برابر هر مجاهد سه دشمن قرار گیرد.

الله ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ۝۱۵﴾ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ^۱! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی که در جنگ با کفار روبرو شدید، هرگز فرار نکنید. هر کس در آن روز به کفار پشت کند و فرار نماید - مگر آنکه بخاطر حمله دوباره و یا هم برای پیوستن به گروه دیگری باشد - قطعاً به خشم الله گرفتار شده است و جایگاهش دوزخ است و دوزخ جایگاه بدی است.

۷- «وَقَدْ فُ الْمُحْصِنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ». یعنی: **تهمت زدن به زنان پاکدامن ناآگاه مؤمن.**

دین مقدس اسلام تهمت به زنا را یکی از جمله گناهان کبیره شمرده است تا آبرو و حیثیت مسلمانان از تعرض

^۱ - سورة الأنفال / ۱۵ - ۱۶.

کسانی که در مورد زنان پاکدامن زبان درازی می‌کنند محفوظ بماند.

هیچ شخصی حق ندارد تا بخاطر خوشگذارنی، انتقام-گیری و یا هر هدف دیگری از طریق صفحات مجازی و یا هر وسیله دیگری باعث آبروریزی مسلمانی شود و او را به آنچه که انجام نداده است متهم سازد.

آبرو و عزت مسلمان در دین اسلام از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است و شریعت اسلامی برای کسی که زن پاکدامنی را به زنا متهم می‌سازد مجازات سنگینی را پیشبینی کرده است. به عنوان مثال: اگر شخصی، زن پاکدامنی را به زنا متهم بسازد بنابر آیه ۴ و ۲۳ سوره نور

مستوجب ۸۰ ضربه شلاق به عنوان حد شرعی می باشد،
گواهی اش بعد از آن پذیرفته نمی شود و همچنین مورد
لعنت الله متعال و مستحق عذاب دردناک می گردد.

قواعد شناخت گناهان کبیره

قاعده اول: اینکه الله ﷻ در قرآن کریم یا پیامبر ﷺ در
حدیث مبارک، گناهی را به عنوان کبیره معرفی کرده باشد.

به عنوان مثال: خوردن مال یتیم که در قرآن کریم به عنوان
گناه بزرگ معرفی شده است. چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَعَاتُوا أَلْيَتَمَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ
وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا

کَبِيرًا^۱! یعنی: اموال یتیمان را بعد از اینکه به سن رشد برسند، به خودشان بدهید؛ و اموال ناپاک را با اموال پاکیزه جابجا نکنید و اموال آنها را با اموال خودتان نخورید چون این کار گناه بزرگی است.

همچنین شرک آوردن به الله ﷻ، نافرمانی از پدر و مادر، کشتن شخصی به ناحق و سوگند دروغینی که صاحبش را در گناه فرو می برد در حدیث مبارک تحت عنوان گناه بزرگ معرفی شده اند. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «**الْكَبَائِرُ** **الإِشْرَافُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَالْيَمِينُ**»

۱- سورة النساء/ ۲.

الْغَمُوسُ^۱. یعنی: گناهان کبیره عبارتند از: شریک آوردن به الله، نافرمانی پدر و مادر، قتل نفس و سوگند غموس صاحبش را در گناه فرومی برد.

قاعده دوم: اینکه مرتکب گناه، به خشم و غضب الهی تهدید شده باشد.

به عنوان مثال: کشتن مسلمان به ناحق. چنانچه الله وَجَلَّ جَلَالُهُ

می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ

خَالِدًا فِيهَا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ...﴾^۲. یعنی: کسی که

مؤمنی را از روی قصد بکشد، جزایش جهنم می باشد و برای همیشه در آن می ماند و الله بر او خشم می گیرد.

^۱ - صحیح البخاری، حدیث: ۶۶۷۵.

^۲ - سورة النساء / ۹۳.

قاعده سوم: اینکه الله متعال یا پیامبر ﷺ از ارتکاب عملی، منع کرده باشند.

به عنوان مثال: عیبجویی کردن یا غیبت کردن. چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا﴾^۱. یعنی: عیب همدیگر را مجوید و غیبت یکدیگر را نکنید.

قاعده چهارم: هر گناهی که مستوجب حد گردد.

به عنوان مثال: زنا و دزدی. چنانچه الله متعال در مورد مرد و زن زناکار می فرماید: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ

^۱ - سورة الحجرات / ۱۲.

وَأَحَدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ...^۱ یعنی: هر یک از زن و مرد
زناکار را صد تازیانه بزنید.

همچنین در مورد مرد و زن دزد می فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ
وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ
اللَّهِ...﴾^۲ یعنی: دست مرد و زن دزد را به سزای عملی که
مرتکب شده اند، به عنوان مجازات الهی قطع کنید.

قاعده پنجم: هر گناهی که در اثر ارتکاب آن، شخص
به آتش جهنم تهدید شده باشد.

^۱ - سورة النور / ۲.

^۲ - سورة المائدة / ۳۸.

به عنوان مثال: پرداخت نکردن مال زکات. چنانچه الله تعالی در مورد کسانی که زکات اموالشان را پرداخت نمی کنند می فرماید: ﴿...وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳۴﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ...﴾^۱. یعنی: کسانی که طلا و نقره را ذخیره می سازند و زکات آن را ادا نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده بده. روزی که آن اموال در آتش جهنم داغ کرده شود و سپس پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند.

۱- سورة التوبة / ۳۴ - ۴۵.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که می‌فرماید:
 «مَا تَوَعَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالنَّارِ كَبِيرَةً»^۱. یعنی: هر آنچیزی که الله
 متعال شخص را در اثر انجام دادن آن، به آتش جهنم تهدید
 کرده باشد گناه کبیره است.

قاعده ششم: هر عملی که ارتکاب آن، ایمان را از
 شخص نفی کند.

به عنوان مثال: آزار و اذیت رساندن به همسایه. ابوهریره
رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمودند:
 سوگند به الله! ایمان ندارد؛ سوگند به الله! ایمان ندارد؛
 سوگند به الله! ایمان ندارد. شخصی پرسید: یا رسول الله!

۱- فتح الباری، ج: ۱۰ ص ۴۱۰.

چه کسی ایمان ندارد؟ رسول الله ﷺ فرمودند: «الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ»^۱. یعنی: کسی ایمان ندارد که همسایه‌اش از آزار و اذیت او در امان نباشد.

قاعده هفتم: هر عملی که مرتکب آن، مورد لعن و نفرین الله و یا پیامبر ﷺ قرار گرفته باشد.

به عنوان مثال: پیوند زدن موی یا خالکوبی کردن. در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاصِلَةَ وَالْمُسْتَوْصِلَةَ، وَالْوَاشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ»^۲. یعنی: الله متعال لعنت کرده است کسی را

^۱ - صحیح البخاری، حدیث: ۵۶۷۰.

^۲ - سنن الترمذی، حدیث: ۱۷۵۹.

که موی را پیوند می زند و کسی را که برایش موی پیوند زده می شود و کسی را که خالکوبی می کند و کسی را که خالکوبی می شود.

چه هنگام گناهان صغیره، به کبیره تبدیل می گردد؟

برخی اوقات، ارتکاب گناهان صغیره در جایگاه های خاصی به گناهان کبیره تبدیل می گردد. یکی از مهمترین مسائلی که لازم است مسلمان به آن توجه کند، شناخت مواردی است که گناهان صغیره به کبیره تبدیل می گردد و حکم کبیره را به خود می گیرد. به صورت کلّ مواردی را که صغیره به کبیره تبدیل می شود می توان چنین بیان کرد:

۱ - بازگو کردن گناه برای دیگران.

کار ناپسندی است که شخص بعد از ارتکاب گناه، نزد این و آن برود و گناهی را که الله متعال آن را بر وی پوشانیده آشکار سازد و به دیگران نقل کند. این کار ضمن اینکه جسارت شخص را در برابر ارتکاب گناه نشان می‌دهد دیگران را بر انجام گناه تشویق می‌کند و جرئت می‌دهد.

کسانی که بر گناه خود افتخار می‌کنند و آن را برای مردم بازگو و نقل می‌کنند، پیامبر ﷺ آنان را «مجاهرین» یعنی اعلان‌کنندگان خوانده است. در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر ﷺ می‌فرماید: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ

عَمَلًا ثُمَّ يُصْبِحُ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا فَلَانُ عَمِلْتَ
الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ

اللَّهِ عَنْهُ»^۱. یعنی: همه امت من مورد عفو و بخشش الله

قرار می گیرند مگر کسانی که گناهی را انجام داده و آن را آشکار کرده اند. از جمله آشکار کردن گناه، یکی این است که فردی، شب هنگام گناهی را مرتکب شود و تا صبح الله متعال گنااهش را پوشیده بدارد اما او در روز بگوید: ای فلانی! دیشب فلان گناه و فلان گناه را انجام دادم. در حالیکه شب را سپری کرده و پروردگارش آن گناه را بر وی پوشیده و او صبح هنگام گناهی را که الله متعال بر او پوشیده آشکار می سازد.

۱- صحیح البخاری، حدیث: ۶۰۶۹.

۲ - پافشاری و اصرار ورزیدن بر گناه صغیره.

پافشاری کردن بر گناهان صغیره، برای صاحب آن خطرناک است و چه بسا که شخص با آن عادت کند و فرصت توبه از دستش برود.

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می فرماید: «لَا كَبِيرَةَ مَعَ
الِاسْتِغْفَارِ وَلَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ»^۱. یعنی: همراه با
استغفار، گناه کبیره باقی نمی ماند بلکه آمرزیده می شود و
همراه با اصرار، گناه صغیره باقی نمی ماند بلکه تبدیل به
گناه کبیره می گردد.

^۱ - روح المعانی، جلد ۲۷، ص ۶۳.

۳- کوچک شمردن گناه.

به هر اندازه که شخص، گناه و نافرمانی از احکامات الهی را حقیر و بی اهمیت بشمارد، به همان مقدار گنااهش بزرگتر و ویرانگر خواهد بود.

در حدیثی که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای اینکه جمع شدن گناهان کوچک باعث نابودی و هلاکت شخص می گردد چنین مثال را بیان کردند: گروهی برای پختن غذا در زمین هموار فرود آمدند و هر فردی از آن گروه، تکه چوبی را جمع آوری کرد تا آنکه هیزم بسیاری جمع گردید، سپس آن گروه آتش بزرگی را برافروختند و غذای خویش را بر آن آتش پختند. و

فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ مُحَقَّرَاتُ الذُّنُوبِ، فَانَّهُنَّ يَجْتَمِعْنَ عَلَي الرَّجُلِ حَتَّى يُهْلِكَنَّهُ»^۱. «از گناهان کوچک پرهیز کنید؛ زیرا کثرت انجام گناهان کوچک و جمع آنها، سبب هلاکت صاحب آن می گردد.

۴- مغرور گردیدن به مهلت پروردگار.

یکی از مواردی که باعث می گردد گناه صغیره به کبیره تبدیل شود، آن است که شخص مجازات نکردن الله ﷻ را دلیل برای رضایت او تعالی تلقی کند. اینکه الله متعال برای شخصی که گناهی را مرتکب شده است فرصت توبه داده و در دنیا مجازاتش نمی کند، از لطف و مهربانی پروردگار

۱- مسند أحمد، حدیث: ۳۸۱۸.

است و نباید شخص بر خود مغرور گردد و مهلت الهی را به معنای رضایت الهی بداند. چون الله متعال از هیچ نوع گناه و نافرمانی، رضایت ندارد.

چنانچه الله متعال در مورد قوم یهود که چون مرتکب گناه می شدند و عذاب زود هنگام الهی را مشاهده نمی کردند، می فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا^ط فَبِئْسَ الْمَصِيرُ^۱﴾. یعنی: در میان خود می گویند: اگر اعمال ما بد است چرا الله ما را بخاطر آنچه می گوئیم عذاب نمی دهد؟ جهنم برای آنها بس است و چه جایگاه بدی است.

۱- سورة المجادلة/ ۸.

بارالها! در میان ما و گناهان ما چنان فاصله بیانداز که در
میان مشرق و مغرب انداختی؛

بارالها! مارا از گناه و گناه را از ما دور بدار؛

بارالها! همچنانکه گناهان و عیوب ما را در دنیا پوشاندی
و رسوایمان نساختی، در آخرت نیز عیوب ما را پوشیده
بدار.

بارالها! ما معصوم نیستیم؛ نفس و شیطان؛ مانند دو گرگ
درنده در تعقیب ما هستند، ما از هردوی آن به خودت پناه
میجوئیم، پناه مان ده؛

بارالها! سیل خروشان گناه که در جامعه اسلامی گسترش یافته است، همه جوانان و نوجوانان را از فرو رفتن و غرق شدن در آن حفظ بفرما.

بارالها! به جوانان ما صدق صدیقی، عدل فاروقی، حیای عثمانی و شجاعت حیدری عنایت بفرما.

و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و أصحابه أجمعین. برحمتک یا أرحم الراحمین.

